

پلیس
در کنار مردم است
نه در مقابل مردم

فرایند با محوریت قرار دادن و خلاصه کردن کلیت رفتار پلیس در آن موارد، به انضمام نمایش درگیری‌های سازمان یافته و جعلی با پلیس، تمامیت اخبار را بر طبق آن صورت‌بندی کرده و به سیاه‌نمایی و تخریب می‌پردازند. این در حالی است که همواره خشونت، فتنه‌گری و ضرب و جرح اغتشاشگران با مهندسی سانسور، تمجید و درشت‌نمایی همراه بوده است. رسانه‌های بیگانه با این ترفند نوک پیکان اتهام را به سمت نیروها و نهادهای امنیتی برده تا فضا را علیه آنها مدیریت کنند.

اولین هدف آنها این است که نیروهای امنیتی و انتظامی را در تنگنای عملیاتی قرار داده و دایره واکنش آنها را محدود سازند. به این منظور تلاش می‌شود تا با فشار هجمه‌ها و مقصرسازی، آنها را وادار کنند برای کاهش بار هجمه‌ها، مصون ماندن از کمترین خطا و زدودن اتهامات، از اعمال واکنش‌های متوازن و متناسب با نوع درگیری بکاهدند. در نتیجه نیروهای انتظامی و نهادهای امنیتی را در یک انفعال عمل قرار داده و به نوعی بازدارندگی را برای آنها به وجود آورند. بنابراین می‌توان گفت که مجموع کنش‌های رسانه‌ها در تلاشند تا پلیس را برای در امان ماندن از اتهامات، وادار به عقب‌گرد کنند تا با شتاب بیشتری به رفتارهای ویرانگر خود ادامه دهند. در مرحله بعدی رسانه‌های معاند با توجه به میدان ایجاد شده علیه نیروهای امنیتی، همراه با مخدوش ساختن چهره آنها، انگیزه خشونت و درگیری را با تهییج احساسات، در آشوبگران تقویت می‌کنند تا خروش بیشتری را در آنها تولید کنند.

معرض
اغتشاشگر نیست!

یکی از نتیجه‌های پردازش تکنیک‌های مختلف، مشروعیت‌بخشی به رفتارهای ساختارشکنانه اغتشاشگران است. براین اساس، هنگامی که اخبار جعلی نیروهای امنیتی را در معرض اتهام قرار می‌دهد، در سوی مقابل آشوبگران تلویحاً مظلوم و آسیب‌دیده نشان داده شده و خرابکاری و ویرانگری توسط آنها، رفتاری مناسب و راهی برای اعاده حق معرفی می‌شود. از این‌رو رسانه‌های دست‌نشانده، که یکی از اهداف آنها همراه کردن حمایت افکارعمومی با خود است، به مخاطب این گونه القا می‌کنند که هر کنشی از سوی اغتشاشگران موجه و پذیرفتنی است.

ایجاد ناآرامی، تشویق ذهنی و خسارت به اموال، زندگی روزمره و آسایش را برای مردم مختل کرده و آنها را دچار مشکلات عدیده کرده است و وظیفه مهم نیروهای امنیتی بازگرداندن آرامش و ثبات به جامعه با استفاده از دستورالعمل‌ها و استانداردهای مشخصی است که بر طبق آن، اقدامات آنها با توجه به میزان فعالیت‌های گروه‌ها تنظیم می‌شود. باید به این نکته توجه داشت که تضعیف نیروهای امنیتی و انتظامی به دامنه‌دار شدن درگیری‌ها و خسارت‌های امنیتی،

مادی و جانی منجر شده و راه را برای ورود افراد تجزیه‌طلب و مسلح حتی خارج از مرزهای کشور هموار خواهد کرد. بنابراین لزوم برخورد نیروهای امنیتی با قانون‌شکنان و برهم‌زنندگان نظم و آرامش بیش از پیش خود را نمایان کرده و انتظار مماشات با هنجارشکنان کاملاً نادرست و نایبجاست. معاندین نظام و ورشوکنان سیاسی خارج‌نشین و داخلی، مانورهای مختلفی را برای کنترل و هدایت اغتشاش در پی می‌گیرند. آنها با هم‌افزایی و گاه ابراز مواضع از گلگاه‌های برخی رسانه‌های داخلی جهت‌دار، مخاطب را دانه‌ها در معرض اخبار ساختگی خود قرار می‌دهند و ذهنیت او را به نحوی اداره می‌کنند تا به هدف ترسیم شده خود برسند. در این بین، پوشش خبری همراه با هویشاری و روشنگری رسانه‌های داخلی می‌تواند نقشه راه آنها را عقیم کرده و مسیر آنان را سد کند.

همه اینها در حالی است که اقدامات نیروهای امنیتی و پلیس در کشورهای غربی به‌رغم زد و خورد مورد تقبیح قرار نگرفته و آن را امنیت‌آفرین و شرط لازم معرفی می‌کردند. انعکاس خبری آنها در مورد برخورد پلیس فرانسه و انگلیس با جمعیت براندازان و مخالفان جمهوری اسلامی و دستگیری چند تن از آنها، نمودی از دروغگویی و دوگانه‌سازی رسانه‌های فارسی‌زبان است.

«ایران» از پشت پرده سناریوی تضعیف
نیروهای فرماندهی انتظامی گزارش می‌دهدپلیس
مقتدر مظلوم

معاندین و رسانه‌های وابسته به آنها، از ابتدای شکل‌گیری آشوب، الگویی چند بخشی را برای تضعیف و ناتوان نشان دادن نیروهای امنیتی و انتظامی در دستور کار خود قرار داده و از آن برای پیشبرد جریان اغتشاش استفاده می‌کنند. نیروهای امنیتی به‌عنوان تنها عامل بازدارنده در میدان عمل با جالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شوند و از این رو بتانسیل مورد نظر برای حمله و عملیات روانی ضد انقلاب و رسانه‌های وابسته به آنها را دارا هستند. اگر سیر اغتشاش و آشوب را از شروع تجمعات، یارگیری، رادیکالیزه کردن و به اوج رساندن آن، عدم کارایی ابزارها و رسوایی سناریوها بر معترضان، پراکندگی و نهایتاً فوول آن بنامیم هر ترفند و بخش از الگو با توجه به اقتضائات زمانی و متناسب با آن تعبیه می‌گردد. رسانه‌های بیگانه در کام اول سعی می‌کنند نیروهای امنیتی را دارای خشونت همه‌گیر در برابر مردم و نه خرابکاران معرفی کنند. در گام دوم به کشته‌سازی روی آورده و ابعاد تصویر خشونت بار پیشین را بالا می‌برند. در گام آخر هنگامی که ابزارها کند شده و آشوب‌ها در حال فروپاشی و زوال هستند، نیروهای امنیتی را ناتوان و مرعوب نشان می‌دهند. انگاره جعلی و فرآگیر پلیس خشونت‌بار همراه با انگاره جعلی پلیس ناتوان در عین تضاد در معنادر برهه‌های زمانی توسط رسانه‌های معاند بازتعریف می‌گردد تا جهت‌دهی لازم به جریان آشوب را سهل‌الوصول کنند. نیروهای امنیتی از یک‌سو در معرض سخت‌ترین فشارها و عملیات روانی رسانه‌ها و به تبع آن افکار عمومی قرار دارند و از سویی دیگر با بیشترین احتیاط برای به‌حداقل رساندن خطا و کاستن از بار روانی موجود متحمل هزینه‌هایی چون شهادت نیروهای خود می‌شوند.

پلیسی که
در عین خویشتن‌داری
مقتدر است

هنگامی که عملکرد و چهره واقعی نیروهای انتظامی و امنیتی بر همگان آشکار شده و فرایند دروغ‌پردازی نیز رسوا شده، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی وابسته به ضدانقلاب به القای ناتوانی نیروهای امنیتی متوسل می‌شوند. این مرحله هنگامی فعال می‌شود که جریان اغتشاش و آشوب در حال پراکنده شدن و از بین رفتن پایگاه خود در خیابان است. معاندین در تلاش هستند تا آشوبگران را دوباره به میدان برگردانند و پایگاه در حال نابودی خود را بازیابی کنند. آنها در این تکنیک، رفتار خویشتن‌دارانه پلیس و نیروها را به نشانه ناتوانی در برابر آشوب مصادره می‌کنند. در این شیوه دو گزاره پیاده‌سازی می‌شود؛ یکی اینکه بخشی از نیروهای پلیس با اغتشاشگران همراهی کرده و در مقابل آنها قرار ندارند و دومین گزاره بر این دلالت دارد که نیروهای انتظامی در یک وضعیت رعب‌آور قرار گرفته و توانایی رویارویی با آشوبگران را ندارند. این تکنیک دو هدف را در خود جای داده است؛ یکی برانگیختن واکنش مأموران و در تداوم تکنیک‌های قبلی تا موقعیت‌های قبلی نیز بازیابی شود. دومین هدف برای این است که وانمود کنند مأموران امنیتی را به نیابت از نظام و حکومت به عقب‌نشینی وادار کرده و نهایتاً جنبش خود را دارای نتیجه و پیروزمند نشان دهند. البته به‌طور ضمنی اعتراف می‌کنند که انگاره جعلی پلیس خشونت‌طلب فاقد اعتبار فرآگیر و لازم است. ارائه نمایشی تصنعی از پیروزی و موفقیت در عین زوال، تدبیری جهت تقویت انگیزه و حفظ و نگه داشتن آشوبگران در صحنه عمل و جرات‌بخشی به آنها است.

سوءاستفاده از اعتبار
پلیس واقعی برای
تبلیغ پلیس ساختگی!

در روزهای اول برخی شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های بیگانه اقدام به نشر روایت‌های دروغین و اسناد ساختگی چون اکانت‌ها و نامه‌های جعلی مبنی بر استعفا، اعلام برائت و حتی اعتصاب برخی نیروهای امنیتی به نشانه اعتراض و حتی همراهی با اغتشاشگران کردند. آنها تلاش داشتند که با ایجاد فضایی دوگانه در بدنه نیروهای امنیتی در ابتدا آنها را دچار تزلزل در تصمیم‌گیری و به‌هم‌ریختگی در آرایش نیروها در برابر آشوبگران کنند. چنین مسائلی با هدف ایجاد سستی در انجام وظیفه و تشویب خاطر نیروها در وهله اول و در قدم دوم ایجاد امیدواری در جمعیت اغتشاشگران بیان می‌شود. این سستی نهایتاً به شکاف ختم داده شده و برای جلوگیری از تسریع و اقدام بموقع بسیار مؤثر است. همچنین نمایش تشویب خاطر و آشفتنگی، موضع قطععی آنها را نزد مردم دچار خدشه کرده و از حمایت آنها می‌کاهد. علاوه بر آن، رسانه‌های معاند می‌گویند در افکارعمومی القا کنند که حتی برخی از این نیروها نیز در کنار اغتشاشگران قرار داشته و قصد مساعدت به آنها را دارند. حتی این خبر جعلی منجر به بزرگنمایی و تقویت جبهه ضدانقلاب و آشوبگر در انظار عمومی شده و آنها را کارا، پیش‌برنده و دارای قدرت زیاد معرفی می‌کند. بیان این موضوع، همچنین می‌تواند این پیام را به سمت مردم روانه کند که نیروهای امنیتی و انتظامی که نمادی از نیروهای محافظ نظام هستند در جبهه خلاف نظام قرار دارند و جمهوری اسلامی در تنگنای تأمین امنیت و مقابله با آشوبگران قرار گرفته است. نمایش ایجاد شکاف در بین نیروهای امنیتی، برای تقویت اراده و برنامه‌ریزی‌های آشوبگران می‌تواند مؤثر باشد؛ چرا که احساس عدم برخورد یا حتی برخورد ضعیف راهگشای رفتار خرابکارانه و حتی مسلحانه معاندین و آشوبگران می‌شود. اما بعد از چندی و روشن شدن حقایق مشخص شد که افراد و اسناد منتشر شده جعلی و ساختگی بوده و هویتی با آن‌ها در نیروهای انتظامی وجود خارجی ندارند. این انگاره آنقدر ضعیف بود که در همان ابتدا و به‌سادگی رسوا شد و مشت مسیبان پشت صحنه را برای مردم باز کرد.

تضعیف پلیس
تضعیف جامعه است

به‌طور کلی، فتنه‌انگیزان با تکیه بر فضاهای ایجاد شده و باز دیدن میدان عمل به اقدامات ویرانگر و تنش‌آفرین خود افزوده و در نهایت فشار بیشتری را برای نهادهای امنیتی ایجاد می‌کنند. علاوه بر آن، این دست رسانه‌ها در تلاش هستند که با امر به تشکیک‌یابی از پراکندگی و برگرد آشوبگران جلوگیری کنند و با تقویت انگیزه آنها را در میدان نگه داشته و ابعاد خشونت را بالا برند.

در این میان با شایعه‌سازی و قصه‌پردازی‌ها در مورد تصرفات ساختگی و بی‌امیدپردازی برای لاین‌ها، آنها را تشویق به خرابکاری‌های بیشتری کرده و سطح برخورد با نیروهای امنیتی را افزایش می‌دهند. این امر فشار مضاعف بر نیروها وارد کرده و آنها را دچار خسارت جانی و مالی می‌کند. به آتش کشیدن مأمور نیروی انتظامی و مصدوم کردن آنها و همچنین به آتش کشیدن خودروها و مقرهای این نیروها از نمونه‌های عینی جرات‌آفرینی در آشوبگران است. این در حالی است که این رسانه‌ها همچنان به تقبیح عملکرد پلیس پرداخته و اقدامات خرابکارانه و آتش زدن اموال عمومی و خصوصی مردم را ستایش می‌کنند. بنابراین تضعیف نیروهای امنیتی از یک‌سو و ترویج خشونت و خرابکاری از سوی دیگر، معادله را به نفع فتنه‌گران رقم خواهد زد و این دقیقاً نتایج اولیه را برای رسانه‌های محارب به همراه خواهد داشت. از طرفی، هنگامی که غائله و درگیری فضایی را ایجاد می‌کند که هر گروهک ضد امنیتی و ضد مردمی که سابقه ترور و کشتار را در پرونده خود دارد، حضور پیدا کند، امکان کشته‌سازی و اتهام‌زنی به نیروهای امنیتی به‌سادگی فراهم می‌شود.

جعل عملیات به
نام پلیس از سوی
نیروهای بی‌هویت

بعد از فرآگیر شدن و به بار نشستن اتهامات و بزرگنمایی وقایع، هر عمل خودساخته و خرابکارانه را می‌توان در قالب کنش نیروهای انتظامی و امنیتی جعل کرد که امکان پذیرش توسط افکارعمومی را دارا است. کشته‌سازی یکی از مهم‌ترین ترفندها برای قوت یافتن و به اوج رساندن جریان اغتشاش در عین زوال و انقباض آن است. یعنی این شگرد زمانی وارد میدان می‌شود که فتنه‌انگیزان دیگر ابزاره‌ای برای انگیزه‌بخشی در اختیار ندارند و جمعیت معترضین با مشاهده شرایط آشوب حاکم، خود را از صف اغتشاشگران جدا می‌کنند. کشته‌سازی برای مشروعیت دادن و ترغیب به خشونت بیشتر حتی تا کشتار نیروهای انتظامی آشوبگران ایجاد می‌شود تا جایی که بهانه یا توجیهی برای حمله به مراکز امنیتی و انتظامی فراهم شود. یکی از علائم جعلی و دروغین بودن کشته‌سازی طی این مدت، در محوریت قرار داشتن زنان است. از اهداف کشته‌سازی در اتهام قرار دادن و ایجاد بدبینی به نیروهای انتظامی



ایجاد ناآرامی، تشویق ذهنی و خسارت به اموال، زندگی روزمره و آسایش را برای مردم مختل و آنها را دچار مشکلات عدیده می‌کند و وظیفه مهم نیروهای امنیتی بازگرداندن آرامش و ثبات به جامعه با استفاده از دستورالعمل‌ها و استانداردهای مشخصی است که بر طبق آن، اقدامات آنها با توجه به میزان فعالیت‌های گروه‌ها تنظیم می‌شود. باید به این نکته توجه داشت که تضعیف نیروهای امنیتی و انتظامی به دامنه‌دار شدن درگیری‌ها و خسارت‌های امنیتی، مادی و جانی منجر شده و راه را برای ورود افراد تجزیه‌طلب و مسلح حتی خارج از مرزهای کشور هموار خواهد کرد

و امنیتی و ترسیم چهره‌ای خشونت‌بار برای رواندن احساسات علیه آن است. این شیوه راهبردی برای دشمن است که با خدشه‌دار کردن اعتماد عمومی به نیروهای امنیتی و انتظامی در پوشش مظلوم‌نمایی به تحریکات خشونت‌بار خود ادامه دهد. این در حالی است که مقامات این نیروها تأکید دارند که نیروهای ضدشورش سلاح جنگی در اختیار ندارند. آنها همچنین در اتفاقات اخیر با وجود همه توهین‌ها و حمله اغتشاشگران که قصد برهم زدن نظم و امنیت عمومی و سپس ایجاد ناامنی را داشتند و حتی با آنکه همکارانشان مجروح شدند، خویشتنداری کرده و اجازه ندادند آسیبی به مردم برسد. از طرفی، آنها در تلاش هستند با شتابناز خبری روی کشته‌سازی، خبر شهادت پرسنل نیروی انتظامی را به حاشیه کشانده و با کاستن از اهمیت آن، خود را در صدر اخبار جای دهند. ابزار دیگری که به موازات کشته‌سازی وارد میدان می‌شود، اظهارنظرهای افراد و بیانیه‌های گروه‌ها و اصناف در راستای سمپاشی رسانه‌های ضدانقلاب است که بر اساس آن به تهییج احساسات پرداخته و فشار مضاعفی را به نیروها تحمیل می‌کنند. با وجود این، محصول واقعی و عینی پروژه کشته‌سازی، شهادت ده‌ها نفر از این نیروها در این مدت بوده است.